

معناشناسی رحمت رحیمیه در قرآن

اعظم پرچم

(استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه اصفهان)

parcham@gmail.comAzam

پروین بنیان

(استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان)

p.nabian@gmail.com

لاله زار حاتمی

(کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث)

l.hatamy@gmail.com

چکیده: معناشناسی واژه‌های قرآن از روش‌های نوین جستار در قرآن است. این رویکرد سعی دارد از راه تحلیل کلمات کلیدی قرآن، اندیشه قرآن را درباره موضوع مورد نظر استخراج کند. موضوع جستار حاضر رحمت الهی است، که همواره بر همه هستی روان است؛ رحمت الهی دارای دو تجلی است: رحمت رحمانی و رحمت رحیمی. با رحمت رحمانی خلقت شکل گرفت و با رحمت رحیمیه هستی به نهایت رشد خود رسید؛ و سعادت انسان که آراستگی به اسماء و صفات الهی است با کمک رحمت رحیمیه امکان‌پذیر است. هدف این جستار، بررسی رحمت رحیمیه با رویکرد معناشناسانه است. تا چگونگی مجاورت و هم‌نشینی کلمات کلیدی در بافت و سیاق آیه برای آشکارسازی معارف نهفته در باطن آیات و به هم پیوستگی معارف قرآن و اندیشه نظام‌مند آن را نشان دهد. این کار پاسخی برای خاورشناسانی است که محتوای قرآن را مطالبی با سبکی پریشان و گسیخته و بیگانه از یکدیگر می‌دانند، مثلاً هم‌نشینی واژه‌های توحید، تعقل، اندیشیدن، ایمان، تقوی و محبت با رحمت الهی در آیات ۱۶۵-۱۶۳ سوره بقره نشان می‌دهد که انسان با تأمل مداوم در آیات خداوند در طبیعت، درب رحمت رحیمیه را به روی خود باز می‌کند، به خدا ایمان می‌آورد و به

تدریج به مقام توحید می‌رسد تا در خلوص و محبت به خداوند توانا تر شود و کسانی که به آیات الهی در هستی توجهی ندارند، توحید را کنار زده و نتیجه شرک‌شان عذاب الهی و محروم از رحمت رحیمیه پروردگار است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، میدان معناشناسی، رحمت رحمانی، رحمت رحیمیه، کمال، هدایت، فضل، یأس.

مقدمه

دانش معناشناسی بیش از نیم قرن است مانند دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی دنیا مورد توجه است. دانشمندان زیادی با فرهنگ‌ها و گرایش‌های مختلف به مسأله «معنا» می‌پردازند. فیلسوفان، منطق‌دانان، زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان و پژوهش‌گران حوزه هنر و ادبیات نیز در بررسی معنا کوشیده‌اند.

معناشناسی در زبان‌شناسی، دانشی است که معنا را بررسی نموده یا شاخه‌ای است که شرایط لازم در رمز را بررسی می‌کند تا بتواند معنا را حمل کند (مختار عمر ۱۳۸۵: ۱۹).

در نگرش تاریخی، فیلسوفان یونان در جستارهای خود به موضوع‌هایی پرداختند که از مسائل اصلی معناشناسی است، یکی از آن‌ها موضوع رابطه میان دال و مدلول است. بحث درباره دلالت کلمه‌ها از مهم‌ترین چیزهای مورد توجه زبان‌شناسان عرب است. آثار زبان‌شناسی عرب‌های نخستین از مباحث معناشناسی هستند، مانند ثبت معانی غریب در قرآن، سخن درباره مجاز قرآن، نگارش کتاب درباره وجوه و نظایر در قرآن، پیدایش فرهنگ‌های موضوعی و فرهنگ واژگان و حتی اعراب‌گذاری قرآن هم در حقیقت نوعی کار معناشناختی است زیرا تغییر حرکت منجر به تغییر کارکرد کلمه و در نتیجه، تغییر معنا می‌شود (همان: ۲۷).

شیوه‌های زبان‌شناسی در بررسی معنا بر معنای کلمه مفرد به منزله واحد اصلی نحو و معناشناسی تأکید داشت. در این زمینه شیوه‌ها و تئوری‌های متعدد و متنوعی ارائه شده که این اختلاف نگرش به معنا و اختلاف در تعریف آن، از اختلال روش است. یکی از تئوری‌ها، نظریه یافت است. مکتب لندن به رویکرد بافتی (operational approach) یا رویکرد عملی (contextual approach) مشهور است، پرچم‌دار این رویکرد فرث «firth» است که تأکید زیادی بر کارکرد اجتماعی زبان دارد. معنای کلمه به نظر

هواداران این نظریه، همان «کاربردش در زبان» یا «شیوه کاربرد آن» و یا «نقشی که ایفا می‌کند» است. بنابراین فرث تصریح می‌کند که معنا تنها از خلال قرار گرفتن در بافت، کشف می‌شود.

هواداران این نظریه می‌گویند که بیشتر واحدهای معنایی در مجاورت واحدهای دیگر قرار می‌گیرند. معانی این واحدها را تنها می‌توان با توجه واحدهای دیگری که کنارشان هستند توصیف یا تعیین کرد. این واحدها را «نشانه زبانی» یا «بافت زبانی» می‌گویند (linguistic context). بنابراین بررسی معانی کلمه‌ها، تحلیلی از بافت‌ها یا موقعیت‌هایی که در آن می‌آیند، حتی بافت‌های غیرزبانی را می‌طلبد (مختار عمر ۱۳۸۵: ۶۵؛ پالمر: ۱۳۶۶ و سلوی محمد ۱۳۸۱: ۷). مکتب لندن چند بخش یا شاخه‌های دیگر برای بافت تعیین می‌کند که عبارتند از:

۱. بافت عاطفی (emotional context)
۲. بافت موقعیتی (situational context)
۳. بافت فرهنگی (cultural context)

بافت عاطفی، میزان قدرت و ضعف انتقال را مشخص می‌کند که لازمه آن تأکید، مبالغه یا اعتدال است در حالی که بافت موقعیت را موقعیت بیرونی که کلمه در آن واقع می‌شود، تعیین می‌کند. بافت فرهنگی، تعیین محیط فرهنگی یا اجتماعی است که شاید کلمه در آن استفاده می‌شود.

یکی دیگر از شیوه‌های زبان‌شناختی، نظریه حوزه‌های معنایی است. حوزه معنایی (semantic field) یا حوزه قاموسی (lexical field) همان مجموعه‌ای از کلمه‌ها هستند که دلالت آن‌ها به هم ارتباط دارد و معمولاً تحت واژه عامی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، جای می‌گیرند.

«اولمان» آن را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه کاملی از واژگان زبانی که حوزه مشخصی از تجربه را نشان می‌دهد».

طبق این نظریه، برای فهم معنای یک کلمه باید مجموعه کلمه‌های مرتبط به آن را از نظر معنایی هم، فهمید. بنابراین معنای کلمه، حاصل روابط آن با سایر کلمه‌ها درون حوزه قاموسی است و هدف تحلیل حوزه‌های معنایی، گردآوری تمام واژگانی است که

به حوزه مشخصی اختصاص دارند و کشف رابطه یکی با دیگری و نیز رابطه آن با اصطلاح عام و فراگیر است (مختار عمر ۱۳۸۵: ۷۳).

از روش‌ها و مکتب‌های دیگر، معناشناسی در مکتب بن (آلمان) یا معناشناسی واژگانی است که در این جستار واژه «رحمت» با توجه به متد همین بررسی می‌شود که نخستین بار لئو وایزگر آن را طراحی و در مراحل بعدی توشیهیکوایزوتسو در تحقیقات قرآنی از آن استفاده کرد (ایزوتسو: ۱۳۷۳، ۵).

معناشناسی به نظر وی، تحقیق و مطالعه‌ای تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان برای آن است که سرانجام جهان‌بینی قومی که آن را نه تنها وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهم‌تر از آن شگردی برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده، شناخته و به کار می‌برد.

از نظر ایزوتسو کلمه «معناشناسی» در عبارت «معنی‌شناسی قرآن» باید به معنای جهان‌بینی قرآن یعنی طرز نگرش قرآن نسبت به جهان در نظر گرفته شود (ایزوتسو ۱۳۷۳: ۴).

به کلماتی که در ساخت جهان‌بینی قرآن نقش قطعی دارند، کلمات یا اصطلاحات کلیدی می‌گویند (همان: ۲۲). هر کلمه کلیدی همراه زیر مجموعه خود یک میدان معناشناسی را تشکیل می‌دهد که با میدان‌های معناشناسی دیگر در ارتباط است و این ارتباط آن قدر منسجم است که مجموعه‌ای سازمان‌یافته و شبکه‌ای بسیار پیچیده با درهم پیوستگی بسیار از آن‌ها حاصل می‌شود (همان: ۲۵).

درباره رحمت رحمانی و رحیمی در بیشتر کتب عرفانی و تفسیری بحث شده است اما رویکرد معناشناسانه رحمت رحیمیه در قرآن با ملاحظه بافت و سیاق و با توجه به مجاورت کلمات و با تکیه بر مجموعه یا بافت کلی قرآن می‌خواهد انسجام و پیوستگی معارف قرآن را روشن و شبکه‌ای بسیار پیچیده و درهم تنیده را ترسیم کند، که از نظر جهان‌بینی مهم است. روابط متعددی که در میدان‌های معنایی هر یک از کلمات قرآن وجود دارد، پیوستگی‌هایی ایجاد می‌کند که تمام آن را به صورت یک مجموعه کلی از مفاهیم مرتب شده بنابر یک نظام سازمان‌یافته نمایش می‌دهد. یک مجموعه کلی در الگوهای معنادار که معرف جهان‌بینی قرآن است. میدان معنی‌شناسی واژگان قرآنی یعنی دستگاهی درون دستگاه دیگر و یا یک نظام جزئی مندرج در یک دستگاه کلی که

به کمک لایه‌های ارتباط‌های به هم پیوسته و متعدد، یک کل بسیار پیچیده را سازمان و تکامل می‌بخشد. بنابراین متد مذکور دو مزیت مهم دارد:

الف) روشن شدن اندیشه نظام‌دار بودن معارف قرآنی و ترسیم میدان معناشناسی رحمت از طریق تحلیل کلمات کلیدی قرآن.

ب) کشف معارف نهفته در باطن آیات از طریق بررسی عبارات هم‌نشین و اصطلاحات کلیدی موجود در آیات.

روابط هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی و مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام است؛ به کلماتی که در جوار کلمه قرار می‌گیرند کلمات هم‌نشین آن کلمه می‌گویند.

توجه به واحدهای هم‌نشین موضوع مورد نظر، معنای آن را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند و به ویژه در مواردی که کلمه بیش از یک معنا دارد و یا معنای آن نامشخص و مبهم است (صفوی ۱۳۷۹: ۴۱؛ بارت ۱۳۷۰: ۶۳).

برای نمونه در عبارت {إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (حجرات: ۱۴) غفور در کنار اسم رحیم قرار گرفته و این هم‌نشینی نشان می‌دهد خداوند ابتدا گناه بندگان را می‌بخشد و رفع حجاب می‌کند سپس ایشان را در مسیر رحمت رحیمیه و کمال قرار می‌دهد.

مفاهیم قرآنی در لایه‌های مختلفی مطرح و قابل دسترسی است از جمله: لایه اخلاقی، کلامی، فلسفی و عرفانی. هر یک از این لایه‌ها، میدان‌ها و شبکه‌های معنایی گسترده‌ای دارند.

یکی از این سطوح پر اهمیت لایه اخلاقی است که واژه «رحمت» در این جستار با همین روکرد و میدان معنایی مربوط بررسی می‌شود.

اخلاقیات قرآنی به دو قسمت عمده الهی و انسانی تقسیم می‌شوند. هرگاه سخن از اخلاق الهی است موضوع به بحث اسماء و صفات الهی باز می‌گردد که به وصف طبیعت اخلاقی خداوند می‌پردازند. برای نمونه: صفت رحمت یکی از صفات ذاتی پروردگار است و برخی از صفات جلال الهی از جمله غضب و عذاب خدا بر بندگان، عرضی و حتی صورت رحمت حق تعالی هستند زیرا باعث پاک شدن انسان از آلودگی‌ها می‌شوند. اخلاقیات انسانی اخلاقیات انسانی در ارتباط انسان با خداوند معنا پیدا می‌کند که به روابط انسان‌ها با حق تعالی و انسان‌ها با یکدیگر در جامعه انسانی

می‌پردازد. انسان نیز مانند خدای خود باید صفت رحمت داشته باشد. او باید بتواند تجلی و بازتابی از صفات پروردگار خویش باشد (ایزوتسو: ۱۳۶۰، ۱۸ و ۱۹؛ خمینی ۱۳۸۰: ج دو، ۶۶۹؛ قیصری ۱۳۸۲: ج دو، ۵۶۷-۴۶۸).

واژه‌ها و اصطلاحات زبان اخلاقی قرآن دو سطح اول و دوم دارند. واژه‌هایی که به توصیف ویژگی‌های عینی و واقعی اخلاقیات می‌پردازند مانند رحمت، محبت، ایمان، کفر و...، از واژه‌های اخلاقی سطح اول زبان هستند و واژه‌های ارزشی که واژه‌های ارزشی که واژه‌های اخلاقی سطح دوم را تشکیل می‌دهند. بیشتر واژه‌های زبان اخلاقی قرآن، از واژه‌های توصیفی یا سطح اول هستند. بیشتر واژه‌های توصیفی، به تنهایی، هر دو سطح اول و دوم را دارند (ایزوتسو ۱۳۶۰: ۲۵-۱۷). مثلاً «رحمت» واژه‌ای توصیفی است و در سطح اول زبان اخلاقی قرار دارد. رحمت خدا به معنای انعام و احسان پروردگار بر بندگان و بنابراین توصیفی و واقعی است و ارزشی بودن این واژه به شایستگی و نیکو بودن آن بازمی‌گردد

معنای رحمت و انواع آن

رحمت در لغت دو هسته معنایی دارد:

الف) رحمت به معنای تجلی و به وقوع پیوستن شفقت، رافت، حنت، رقت، عطف، لطافت، توفیق، محبت، نعمت، احسان، فضل و مغفرت در عالم خارج است. سامانه تداخل معنایی رحمت با واژه‌های مذکور، در لغت، بررسی جداگانه‌ای می‌طلبد و از حوصله این جستار خارج است.

ب) الرّحم به معنای رابطه نزدیک. رحم در معنای جایگاه شکل‌گیری و رشد نطفه و رحم به معنای خویشاوند از مصادیق بارز آن هستند (مصطفوی ۱۳۶۲: ج چهار، ۱۰۱-۸۹؛ ابن فارس [بی‌تا]: ج دو، ۲۸۵).

پذیرش هر یک از دو هسته معنایی با رحمت الهی کاملاً مطابق است. اندیشمندان حوزه قرآن، رحمت الهی را انعام، احسان، عطا و بخشش مادی و معنوی خدا بر بندگان و همین‌طور برطرف کردن شرور و ضررها از ایشان معنا می‌کنند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج یک، ۱۸؛ قیصری ۱۳۸۲: ج یک، ۳۷۳؛ فخرالدین رازی ۱۳۹۶: ۱۵۵) و رابطه قرب و

نزدیکی با رحمت الهی به خاطر آن است که رحمت الهی و قرار گرفتن در مسیر رحمت و بهره بردن از آن باعث قرب معنوی انسان به خدا می‌شود. رحمت خداوند وسیع است زیرا در همه مراتب دنیا و آخرت وجود دارد و هر موجودی بسته به قابلیت و استعداد خود از خدای یکتا، مرتبه‌ای از رحمت را شامل حال خویش می‌کند (قیصری ۱۳۸۲: ج یک، ۱۲۴؛ خمینی ۱۳۸۰: ۹۱).

رحمت الهی دو ظهور و تجلی دائمی در هستی دارد: رحمت رحمانی و رحمت رحیمی که با هم مرتبط هستند. رحمت رحمانی مقام بسط وجود و رحمت رحیمی مقام بسط کمال وجود است. با رحمت رحمانی اصل وجود ظاهر می‌شود و با رحمت رحیمی انسان در مسیر کمال خود حرکت کرده و مطلوب خویش را می‌یابد (خمینی ۱۳۸۰: ۷۶-۷۵؛ قیصری ۱۳۸۲: ج یک، ۱۱۹؛ رحیم‌پور ۱۳۸۷: ج دو، ۶۵۵-۶۵۰).

با رحمت رحیمی پروردگار، انسان‌ها مسیر حق را می‌یابند و به سمت بی‌نهایت که همان خداست روانه می‌شوند و به همین خاطر بیشتر اندیشمندان قرآن، آن را خاص و متعلق به مؤمنان می‌دانند (خمینی: ۱۳۸۰: ۸۶).

کمال انسان و رحمت رحیمیه پروردگار

فلسفه آفرینش انسان رسیدن به کمال است، نه تنها انسان که تمام آفرینش بی‌هدف خلق نشده و همه هستی نوع خاصی از هدایت دارند:

﴿وَمَا خَلَقْنَاكُمْ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ (ص: ۲۷).

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه: ۵۰).

برنامه‌های لازم برای رسیدن به کمال انسان باید بر اساس نیازهای انسان قانون‌گذاری شود. انسان قادر به شناختن اصول تکامل خویش به صورت کامل و جامع نیست و به همین خاطر دچار خطا و توهم می‌شود، بنابراین نمی‌تواند برنامه‌ریز خوبی برای دست‌یابی به تکامل خود باشد. قانون‌گذار مناسب برای کمال انسان باید از فلسفه آفرینش انسان آگاه و شناخت کاملی نسبت به انسان داشته باشد، او باید اصول تکامل انسان را بشناسد و در نهایت از هرگونه هوس و ترس وارسته باشد.

انسان آفریده خداست و خالق بیش از هرکس دیگر مخلوق خویش را می‌شناسد:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ۱۶).

﴿إِلَّا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (ملک: ۱۴).

خداوند نسبت به همه چیز عالم و از اصول تکامل انسان آگاه است:

﴿... أَنْ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۹۷).

قرآن کریم تنها قانون‌گذار برای کمال انسان را خدا می‌داند و آنان را که طبق قانون خدا حکم نکنند کافر، ظالم و فاسق معرفی می‌کند:

﴿... إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ (انعام: ۵۷).

﴿... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (مائده: ۴۴).

﴿... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (مائده: ۴۵).

﴿... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (مائده: ۴۷).

پروردگار رحمان، در وجود انسان ادراک‌ها و توانمندی‌هایی قرار داده تا او را به کمالش برساند و از رحمت رحیمیه بهره‌مند شود (محمّدی ری‌شهری ۱۳۶۰: ۳۸-۳۰؛ پرچم ۱۳۸۱: ۱۶۳ و ۱۶۴).

رحمت الهی بستر مهم رسیدن به هدایت و کمال انسان است.

باید گفت اگرچه در آیات قرآن آمده که درب رحمت رحیمیه برای عموم انسان‌ها باز است و همه انسان‌ها همیشه در معرض نفعات رحمت الهی هستند و خداوند مسیرها و نشانه‌های رحمت و هدایت خویش را به بندگان نشان می‌دهد اما همه انسان‌ها از تمام مراتب رحمت رحیمیه برخوردار نمی‌شوند، برخی انسان‌ها نظیر کافران و مشرکان از آن محرومند و مؤمنان به فراخوار ظرفیتشان از آن بهره‌مند می‌شوند.

تخلّق به هر یک از اسماء و صفات الهی و مطابقت اعمال و رفتار آدمی با هر یک از اسمای الهی نوعی از رحمت خاصه است که نصیب برخی از بندگان می‌شود، بنابراین باید گفت خلیفه خدا که تجلیگاه همه اسماء الهی است، بیش از هر کسی دیگر از رحمت رحیمیه پروردگار بهره می‌برد. رحمت رحیمیه با خلیفه‌الله در ارتباط است و این

ارتباط میدان معناشناسی رحمت را بیشتر تبیین می‌کند (قیصری ۱۳۸۲: ج یک، ۱۲۴؛ فارسی ۱۳۷۰: ۱۴۴).

رحمت رحیمی در بالاترین مرتبه خود به پیامبران تعلق دارد که انسان‌هایی برگزیده هستند.

﴿فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كَلَّمَا جَعَلْنَا نَبِيًّا. وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (مریم: ۴۹ و ۵۰).

رحمت رحیمیه، انسان را به کمال خویش می‌رساند و خدای بی‌همتا برنامه رسیدن به این امر را در مراتب و سطوح مختلف مؤمنان بیان می‌کند از جمله: محسنان (اعراف: ۵۶)، با تقویان (اعراف: ۱۵۶)، صابران (بقره: ۱۵۷) و مسلمانان (حدید: ۲۸)

انسان‌ها در هر مرتبه‌ای از رشد باید مطابق دستورات داده شده عمل کنند تا به مطلوب خود برسند. در مرتبه‌ای، رحمت رحیمی الهی به وارستگی تعلق می‌گیرد که ویژگی‌های برتر دارند. رحمت در این مرتبه با انجام دستورات تعیین شده، بر بندگان تعلق می‌گیرد.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (نساء: ۱۷۵)

در سطحی دیگر، رحمت رحیمی با عموم مسلمانان در ارتباط است. برای این که رحمت رحیمی و کمال، شامل حال ایشان شود باید از دستورات خدا و رسول پیروی شود. پایان‌بخش برخی از آیات (لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) است.

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۳۲)

﴿وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (انعام: ۱۵۵)

ذیل برخی از آیات قرآن که سیاق آن در ارتباط با خطاکاران است، رحمت رحیمی الهی هم یادآوری می‌شود تا امید را در انسان‌های گناه‌کار برانگیزد. البته این بهره از رحمت، بی‌برنامه به آنان تعلق نمی‌گیرد. توصیف چگونگی دست‌یابی به این رحمت، در اغلب آیات، توبه و اصلاح گناه‌کاران است (آل عمران: ۸۹-۸۶).

در اهمیت رحمت رحیمی باید گفت پیامبران و اولیای الهی، همیشه، درجات بالای رحمت را از خداوند درخواست می‌کنند و این فرهنگ معناشناسی دعا نزد پیامبران است.

دعا از نظر ایشان، طلب کمال یعنی واکنش صحیح در برابر فعل الهی، و سیاسی در برابر نعمت‌های الهی است.

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ ادْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (اعراف: ۱۵۱)

هم‌نشینی واژه‌های ایمان، تقوی، رحمت، فضل و مغفرت با رحمت الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمَنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (حدید: ۲۸ و ۲۹)

در این آیه خداوند در جواب فخرفروشی اهل کتاب بر مسلمانان از مسلمانان می‌خواهد تقوای الهی را پیشه کنند و ایمان به رسول داشته باشند تا رحمت خود را، دو برابر نصیب‌شان کند.

تقوای الهی، پیروی از اوامر و نواهی رسیده، موافقت با رسول اکرم (ص)، کسب خوبی‌ها و از بین بردن ناپاکی‌های وجود خویش است و ایمان به رسول، تبعیت و طاعت یا پیروی گام به گام از دستورات پیامبر (ص)، همراه با تمایل قلبی و محبت به رسول (ص) است.

در راستای رحمت دو برابر، خداوند به ایشان روشن‌گری ناشی از ایمان واقعی عطا می‌کند تا مسیر حق را بیابند و دچار ضلالت نشوند. خدای بی‌همتا مغفرت خویش را نیز شامل حال ایشان می‌کند و از خطاهای احتمالی‌شان در می‌گذرد. مغفرت درجات متفاوت دارد، در برخی از درجات گناهان پاک می‌شود و در برخی دیگر از درجات حجاب‌های ظلمانی و نورانی برطرف می‌شود.

آیه ۲۹ تعلیل آیه پیش است. پاداش مؤمنان که به دستورات مذکور عمل می‌کنند رحمت دو برابر، نور و مغفرت الهی است تا اهل کتاب نپندارند مؤمنان به رسول اکرم (ص)، از فضل خدا بی‌بهره‌اند و فضل الهی که عطای بیش از میزان اعتدال است، تنها شامل حال خودشان می‌شود. منظور از فضل در این آیه همان نعمت‌های شمارش شده

در آیه ۲۸ می‌باشد. (طباطبایی ۱۴۱۷: ج نوزده، ۱۷۵-۱۷۰ و ج سه ۱۵۹ و ۱۶۰؛ گنابادی ۱۴۰۸: ج چهار، ۱۵۲-۹۲؛ نسفی ۱۳۶۷: ج دو، ۱۰۳؛ امین ۱۳۶۱: ج دوازده، ۱۶۸؛ رشیدالدین میبدی ۱۳۷۱: ج نه، ۵۰۴؛ صدرالمتألهین ۱۳۶۶: ج شش، ۳۰۵؛ ابن منظور ۱۴۱۰: ج یازده، ۵۲۴؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج یک، ۶۳۹)

رحمت رحیمیه در این آیه، با تقوی و ایمان مرتبط است. خداوند برنامه رسیدن به کمال و هدایت برای کسانی را که دعوت رسول اکرم (ص) در قبول دین اسلام پذیرفتند، تقوی و ایمان توصیف می‌کند. هرگاه مسلمانان طبق دستورالعمل رفتار کنند، خداوند به آنان دو برابر از رحمت خویش عطا می‌کند. از آثار این کمال و عطای دو برابر رحمت، روشن‌گری حاصل از ایمان واقعی است که راه را برایشان روشن می‌کند تا به سمت کمال حرکت کنند و چون خداوند بندگان خویش را دوست دارد و می‌خواهد آنان به مطلوب خویش برسند، لغزش‌های احتمالی آنان را می‌بخشد و حجاب‌های ظلمانی و نورانی را از سر راه کمال ایشان برمی‌دارد.

هم‌نشینی شادمانی و سرور با رحمت الهی

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ فِي الصُّدُورِ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (یونس: ۵۷ و ۵۸)

سیاق آیات در زمینه قرآن و برشمردن برخی از اوصاف آن است. خدای بی‌همتا در این آیه از انسان‌ها خواسته تا جویای فضل و رحمت باشند زیرا شادمانی حقیقی در آن است. فضل در این آیه به اوصاف قرآن در آیه پیش باز می‌گردد از جمله «موعظه و شفاء لما فی الصدور» که برخی از مفسران آن را در رسالت و ولایت معنا می‌کنند منظور از رحمت، سعادت دنیوی و اخروی است. سعادت انسان در دنیا و آخرت و توجه به قرآن بهتر از همه آن چیزهایی است که آدمی در فکر جمع‌آوری آن است و به آن تعلق خاطر دارد از جمله مال، فرزند، مقام، زن و ... (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ده، ۸۲؛ طیب ۱۳۷۸: ج شش، ۱۱۱ و ۱۱۲؛ رشیدالدین میبدی ۱۳۷۱: ج چهار، ۳۰۵؛ گنابادی ۱۴۰۸: ج دو، ۳۰۷)

قرآن یگانه کتاب رساندن انسان به کمال خویش است و خداوند آن را فضل معرفی می‌کند زیرا آدمی با پیروی از برنامه‌های آن به مطلوب واقعی خویش که همان کمال و

هدایت است می‌رسد. رسیدن به رحمت الهی در این آیه از اسباب شادمانی و سرور واقعی به حساب می‌آید.

هم‌نشینی قرآن و هدایت با رحمت الهی

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (نحل: ۶۴)

سیاق آیات سخن از مشرکان است و در این آیه خداوند قرآن را برای مشرکان باعث روشن‌گری و اتمام حجت می‌داند زیرا در قرآن اصول اعتقادی و دستور زندگی تبیین شده و این چیزی است که مشرکان درباره آن اختلاف دارند و ناحق را به جای حق برگزیده‌اند. هدایت و رحمت عطف بر تبیین شده و هدف ثانی از انزال کتاب را گزارش می‌کند. مؤمنان به کمک تعلیم‌ها و برنامه‌های ارائه شده در آن و عمل به آن‌ها به سمت حق هدایت می‌شوند و به مطلوب خویش می‌رسند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج دوازده، ۲۵۴؛ گنابادی ۱۴۰۸: ج دو، ۴۱۷، امین ۱۳۶۱: ج هفت، ۲۰۹؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵: ج سه، ۱۴۲).

قرآن یکی از مصادیق رحمت رحیمیه است و در آن راه رسیدن به هدایت تشریح می‌شود. بهره مشرکان از آن، توجه بدان است و مؤمنان به کمک برنامه‌های آن به کمال معنوی خویش می‌رسند.

هم‌نشینی واژه‌های توحید، تعقل، محبت، ایمان، تقوی و اخلاص با رحمت الهی

﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَكَوَيَّرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (بقره: ۱۶۳-۱۶۵)

سیاق آیات سخن از مشرکان و کافران است. آیه ۱۶۳ در جواب مشرکان مکه نازل شده که از رسول خدا (ص) خواستند خدای خویش را برای آنان توصیف کند. خداوند

در پاسخ آنان بیان می‌دارد: در تمام نظام هستی تنها اوست که شایستگی معبود شدن والوهیت را دارد. خدای یگانه، هستی را با رحمت رحمانی خویش خلق کرده و آثار و نشانه‌های یکی بودن خداوند در هستی وجود دارد. اندیشیدن بر روی این نشانه‌ها باعث فهم توحید می‌شود.

در آیه ۱۶۵ سخن از کسانی است که برای خداوند شریک قرار می‌دهند و شرکای خدا را همانند خدا دوست می‌دارند. سرانجام شرک آنان عذاب و تاسف و حسرت در روز قیامت است. چنین افرادی در رحمت رحیمیه را به روی خود می‌بندند و خداوند با عبارات زیر از آن‌ها یاد می‌کند: ﴿ختم علی قلوبکم﴾ (انعام: ۴۶)، ﴿طبع الله علی قلوبهم﴾ (نحل: ۱۰۸) و... در مقابل، مؤمنان که اهل تفکر و تدبر در آیات الهی هستند، به مقام توحید می‌رسند و خلوص در محبت پروردگار دارند.

(طباطبایی ۱۴۱۷: ج یک، ۴۰۰-۳۹۳؛ امین ۱۳۶۱: ج دو، ۱۵۷-۱۵۲، ابن عربی ۱۴۲۲: ج یک، ۶۲ و ۶۳؛ گنابادی ۱۴۰۸: ج یک، ۱۵۹)

هرگاه انسان‌ها بر روی آیات و نشانه‌های طبیعت و هستی که جلوه‌های رحمت رحمانی خداوند است اندیشه کنند، در مسیر هدایت و رحمت رحیمیه قرار می‌گیرند، زیرا با تداوم اندیشه بر روی این نشانه‌ها، به مقام توحید می‌رسند و در نتیجه ایمانشان افزایش می‌یابد و در خلوص، محبت و قرب به او توانمندتر می‌شوند. مشرکان همان کسانی هستند که در آیات الهی تعقل نمی‌کنند و به همین خاطر پی به توحید خداوند نمی‌برند و برای خدا شریکانی قرار می‌دهند و به آنان همانند خداوند، محبت می‌ورزند. آغاز مسیر و برنامه رسیدن به مقام توحید، اندیشه در نشانه‌های هستی است، بنابراین رحمت رحمانی بستری مناسب برای کمال و هدایت انسان است.

هم‌نشینی واژه‌های ظلم، مغفرت و خسران با رحمت الهی

﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف: ۲۳)

سیاق آیات سخن از حضرت آدم و حوا (ع) و خوردن از میوه ممنوعه است. بعد از این که مرتکب ترک اولی شدند، خود را ظالم خواندند.

رب از ماده (ر ب ب) و به معنای مالک و صاحب اختیار است (ابن منظور ۱۴۱۴: ج دو، ۳۹۹؛ طریحی ۱۳۷۵: ج دو، ص ۶۳). آدم و حوا (ع) با خواندن این اسم خداوند به ظلم خویش اعتراف و تقاضای خود را مطرح کردند.

ظلم در لغت به معنای قرار دادن شیء در جایی غیر از جایگاه اصلی است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج یک، ۵۳۷؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ج دوازده، ۳۷۳). هر گناه و نافرمانی از دستورات خداوند ظلم بر خویشتن است زیرا همه برنامه‌های خدای یکتا برای سعادت آدمی وضع شده و هرگاه انسان نافرمانی خدا کند رسیدن به سعادت خود را به عقب می‌اندازد. آدم و حوا (ع) درخواست خود را با اعتراف به ظلم در حق خویش آغاز کردند. ظلم آنان به خودشان خوردن میوه ممنوعه بود که به هبوط از بهشت منجر شد. آنان با نهایت التماس، تضرع و ادب فراوان، نیازشان را به مغفرت و رحمت الهی ذکر کردند.

معنای لغوی خسران، نقصان و از دست دادن اصل سرمایه برای تجارت است. خسران برخی موارد در امور دنیوی مطرح است مانند: از دست دادن مال؛ و برخی موارد در امور نفسی و معنوی مطرح است مانند از دست دادن جان، سلامتی، خرد و ... (فراهیدی ۱۴۱۰: ج چهار، ۱۹۵؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج یک، ۲۸۱ و ۲۸۲). مراد از خسران در این آیه، محرومیت از فیوضات معنوی بیشتر و پایین آمدن درجه به خاطر ارتکاب ترک اولی است.

آدم و حوا (ع) بعد از این درخواست، به زمین هبوط کردند و البته حضرت حق توبه آن‌ها را قبول کرد. اگرچه این آیه به فرازی از زندگانی آدم (ع) و همسرش حوا می‌پردازد اما اشاراتی به زندگی نوع بشر نیز دارد.

انسان‌ها دارای قوای مختلفی از جمله شهوت، غضب، خرد و ... هستند. هر کدام آنان را به سوی می‌کشاند و آنان نباید اسیر وسوسه‌های شیطان شوند. تسلیم در برابر شیطان باعث دوری از مقام قرب پروردگار و حتی محرومیت از مقام والای انسانیت و همین‌طور بهشت می‌شود.

با این وجود، انسان با استفاده از توانمندی‌های خدادای می‌تواند ظلم خود را با درخواست مغفرت از خدای یگانه جبران کند تا خدای بی‌همتا دست رحمتش را به سوی او دراز کند و او را از سقوط و افتادن در ورطه ضلالت رهایی دهد. ممکن است او کم و بیش آثار تلخ گناه خود را ببیند اما این شکست پلی برای پیروزی‌های معنوی بزرگ است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج هشت، ۱۱۹؛ ابن عربی ۱۴۲۲: ج یک، ۲۳۱؛ طیب ۱۳۷۸: ج پنج، ۲۹۴؛ مکارم شیرازی ۱۴۲۱: ج چهار، ۶۰۳ و ۶۰۴؛ فراهیدی ۱۴۱۰: ج چهار، ۱۹۵؛ راغب اصفهانی: ۱۴۱۲: ۲۸۵؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ج یک، ۴۰۰-۳۶۶)

هم‌نشینی ظلم، خسران و مغفرت با رحمت نشان می‌دهد نافرمانی از دستورات رسیده از جانب خدای یکتا انسان را در طی مسیر کمال خویش عقب می‌اندازد. اگر خداوند گناه آدمی را نبخشد و به او افاضات معنوی عطا نکند، شخص گناهکار از رحمت رحیمی خداوند محروم می‌شود و این محرومیت از نگاه قرآن خسران است زیرا انسان را از کمال و هدایت خویش دور می‌کند.

آدم و حوا (ع) با علم به این حقیقت، خود را بدون مغفرت و رحمت الهی خسران زده می‌دانستند و چون آگاه بودند خداوند می‌تواند گناهان بندگان را ببخشد و سپس افاضات معنوی برای کمال و هدایت را شامل حالشان کند با نهایت التماس، تضرع و ادب از خداوند طلب کمال و رحمت رحیمیه کردند. آنان از میان اسماء فراوان پروردگار، او را رب خواندند و نیاز خود را به درگاه تنها مالک و صاحب اختیار خویش بردند. از نگاه پیامبران (ص) طلب رحمت رحیمیه اهمیت ویژه‌ای دارد طوری که همیشه در دعاهای خود آن را از خداوند طلب می‌کردند مانند:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ إِخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۲۸۶)

طلب رحمت رحیمی در دعای حضرت موسی (ع)

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَدْخِلْني رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (اعراف: ۱۵۱)

طلب رحمت رحیمی در دعای حضرت نوح (ع):

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (هود: ۴۷)

هم‌نشینی واژه‌های ایمان، هجرت و جهاد با امید به رحمت الهی

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره: ۲۱۸)

این آیه بزرگداشتی برای مؤمنان است، کسانی که امید دارند به تعلق رحمت الهی دارند. اگرچه این آیه در شأن مسلمانانی نازل شده که در زمان رسول خدا (ص) و در

ماه رجب به فرمان پیامبرشان با دشمنانی جنگیدند اما مخاطب آن عام است و همه مؤمنان از زمان رسول خدا (ص) تا روز قیامت، را شامل می‌شود. ایمان، هجرت و جهاد هر یک درجات متفاوتی دارد.

ایمان در یک سطح، تنها پذیرش دین اسلام و در مراتب بالای آن یقین و معرفت به خدای یگانه است. هجرت در یک سطح، مربوط به ترک مکانی به مکانی دیگر برای رضای خداست و در یک مرتبه مربوط به هجرت از هوای نفس و بدی‌ها به سمت ایمان و عمل صالح است. جهاد در راه خدا برخی مواقع در مقابل دشمنان دین اسلام و نبرد با افراد مفسد است و به مقابله با خواسته‌های نفسانی و شکست آن نیز جهاد در راه خدا می‌گویند.

رجاء ضد یأس به معنای انتظار امر محبوب و پسندیده‌ای است که موجبات و اسباب آن امر محبوب فراهم باشد (فراهیدی ۱۴۱۰: ج شش، ۱۷۶؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ج چهارده، ۶۱۲-۳۰۹؛ مصطفوی ۱۳۶۰: ج چهار، ۸۲-۷۹).

کسانی که ایمان دارند و در راه خدا هجرت و جهاد می‌کنند، اسباب سعادت خود را فراهم می‌کنند، بنابراین به تعلق رحمت الهی امید دارند. امید به رحمت الهی لقلقه زبان نیست و بر پایه ایمان و عمل صالح مانند جهاد و هجرت در راه خدا، قرار دارد.

دو اسم غفور و رحیم در ذیل آیه به منزله علت امیدواری افراد مذکور است، زیرا خداوند آمرزنده و رحمت او شامل حال مؤمنان در دنیا و آخرت است، البته باید به رحمت او امیدوار باشند (امین ۱۳۶۱: ج دو، ۲۹۲؛ گنابادی ۱۴۰۸: ۱۹۳؛ طیب ۱۳۷۸: ج دو، ۴۲۵-۴۲۲؛ ابن عربی ۱۴۲۲: ج یک، ۷۸؛ آلوسی ۱۴۱۱: ج یک، ۵۰۶؛ رشیدالدین میبدی ۱۳۷۱: ج یک، ۵۷۸ و ۵۷۹).

این آیه به توصیف امیدواران حقیقی به هدایت و رحمت رحیمی خداوند می‌پردازد. این امید تنها یک خواسته سطحی زبانی بی‌برنامه و عمل نیست بلکه باید اسباب و شرایط امر محبوب فراهم باشد. داشتن ویژگی‌های ایمان، هجرت و جهاد نشان می‌دهد آنان در راستای هدف خویش تلاش کردند و به دنبال فراهم کردن اسباب لازم بودند. بررسی آیات برگزیده در حوزه رحمت نشان می‌دهد ایمان، تقوی، هجرت در راه خدا، جهاد در راه خدا، فضل، مغفرت، شادمانی، قرآن، هدایت، توحید، محبت، اخلاص، تعقل، شرک و خسران زیرمجموعه کلمه کلیدی رحمت هستند. این پیوستگی

با گستره‌ای از مفاهیم مثبت و منفی، تصویر ارتباط هماهنگ واژه‌های قرآن با یکدیگر را ترسیم می‌کند.

از میان آیات فراوانی که به موضوع رحمت می‌پردازند تنها تعداد اندکی آیه با توجه به عبارات هم‌نشین و اهداف مقاله، گزینش شدند زیرا بررسی همه آیات مربوط به رحمت، این زیرمجموعه را گسترده‌تر می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی رحمت الهی در قرآن با متد معناشناسی در تحقیق حاضر، نتایج زیر را همراه دارد:

۱. رحمت، یکی از کلمات کلیدی پر اهمیت در قرآن و با بسط وجود و کمال آن در ارتباط است. خدای یکتا با رحمت رحمانی خویش هستی را خلق کرده و انسان‌ها با استفاده از رحمت رحیمی به کمال هدایت و مطلوب خویش می‌رسند. تخلق به هر یک از اسماء و صفات الهی نوعی از رحمت خاصه است که نصیب برخی از بندگان می‌شود، بنابراین خلیفه خدا که تجلی‌گاه همه اسماء الهی است، بیش از هر کس دیگر از رحمت رحیمیه پروردگار بهره می‌برد.

۲. کلمه کلیدی رحمت - در آیات برگزیده - با زیرمجموعه خویش ارتباط معنایی دارد و این ارتباط واژه‌ها، فرهنگ و جهان‌بینی قرآنی در حوزه رحمت را، آشکار می‌کند.

۳. ارتباط میدان معناشناسی رحمت با واژه‌های مربوط، اندیشه نظام‌دار بودن معارف قرآنی و معارف نهفته در باطن آیات را آشکار می‌کند، مانند نمونه‌های زیر:

- رحمت با مفاهیم محبت، توحید، تعقل، اخلاص و شرک تداخل و ارتباط معنایی دارد. هرگاه انسان‌ها بر روی آیات و نشانه‌های طبیعت و هستی که خود جلوه‌های رحمت رحمانی خداوند است، تدبرکنند، در مسیر هدایت و رحمت رحیمیه قرار می‌گیرند، زیرا اندیشیدن در آیات الهی، زمینه مناسبی برای رسیدن به فهم توحید، تسلیم در مقابل پروردگار و تقدیم خالصانه محبت به پیشگاه پروردگار را فراهم می‌کند، در حالی که بی‌توجهی در آیات الهی زمینه تسلیم نشدن برابر پروردگار و شریک قرار دادن برای خداوند است. چنین افرادی درب رحمت رحیمیه را به روی

خود می‌بندند و خداوند با عبارات زیر از آن‌ها یاد می‌کند: ﴿ختم علی قلوبکم...﴾ (انعام:

۴۶) ﴿...طبع الله علی قلوبهم...﴾ (نحل: ۱۰۸) و (بقره: ۱۶۳-۱۶۵)

- قرآن جلوه‌ای از رحمت رحیمیه پروردگار و مایه هدایت آدمی است زیرا پیروی از دستورات آن انسان را به کمال و مطلوب خویش می‌رساند و او را در مسیر رحمت رحیمی پروردگار قرار می‌دهد.

- فضل و رحمت رحیمی الهی در قرآن یکی از اسباب شادمانی معرفی می‌شود (نحل: ۶۴).

- هم‌نشینی رحمت با ظلم، خسران و مغفرت نشان می‌دهد، نافرمانی از دستورات رسیده از جانب خدای یکتا انسان را در طی مسیر کمال خویش باز می‌دارد. اگر خداوند گناه آدمی را نبخشد و به او افاضات معنوی عطا نکند، شخص گناه‌کار از رحمت رحیمی خداوند محروم می‌شود و این محرومیت از نگاه قرآن، خسران است زیرا انسان را از کمال و هدایت خویش دور می‌کند. خداوند برای رهایی از این خسران، راه نجاتی قرار می‌دهد و آن طلب کمال به کمک توبه و بازگشت به سوی خداوندست (اعراف: ۲۳).

۴. خداوند یکتا که تنها برنامه‌ریز برای کمال انسان است، مسیر دست‌یابی به رحمت را به انسان نشان می‌دهد و در این حوزه همانند دیگر موضوعات واقعیت‌پردازی کرده، و راه رسیدن به رحمت را روشن می‌کند، برای نمونه مسلمانان وقتی می‌توانند به دو نصیب از رحمت الهی برسند که تقوی پیشه کنند و به رسول (ص) ایمان بیاورند (حدید: ۲۸ و ۲۹).

۵. از دیدگاه قرآن در رب رحمت رحیمیه به سوی گناه‌کاران باز است و در عالم دنیا هر زمان که بخواهند با توبه و اصلاح خویش می‌توانند به آغوش کمال و هدایت بازگردند. خداوند در پایان برخی از آیات که سخن از گناه‌کاران است رحمت و مغفرت خویش را یادآور می‌شود (آل عمران: ۸۹-۸۶).

منابع و مأخذ

○ ابن عربی، محی‌الدین محمد (۱۴۲۲)، تفسیر ابن عربی، ج اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

- ابن فارس، ابن حسن به زکریا (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، مکتبه الاعلام الاسلامی، بی‌جا.
- ابن منظور، فضل جمال الدین محمد بن مکرم افریقی مصری (۱۴۱۰)، لسان العرب، دار الفکر، بیروت.
- اختیار، منصور (۱۳۷۹)، معناشناسی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- ارفع، سید کاظم (۱۳۷۱)، شرح اسماء الحسنی، موسسه تحقیقاتی انتشاراتی فیض کاشانی، بی‌جا.
- امین، سید نصرت (۱۳۶۱)، مخزن العرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰)، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی در قرآن، فریدون بدره‌ای، نشر قلم، تهران.
- _____ (۱۳۷۳)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، نشر قلم، تهران.
- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۱)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالفکر، بیروت.
- بارت، رولان (۱۳۷۰)، عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه مجید محمدی، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران.
- پالمر، فرانک (۱۳۶۶)، نگاهی تازه به معناشناسی، کورش صفوی، نشر مرکز، تهران.
- پرچم، اعظم (۱۳۸۱)، بررسی تطبیقی مسایل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، کنکاش، اصفهانی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸)، الصحاح، نشر امیری، تهران.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۴)، ابن عربی و عوالم خیال و مسأله اختلاف ادیان، قاسم کاکایی، انتشارات هرمس، تهران.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰)، شرح دعای سحر، احمد فهری، چ دوم، انتشارات فیض کاشانی، بی‌جا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، چ اول، الدار العلم الشامیه، بیروت.
- رحیم‌پور، فروغ السادات (۱۳۸۷)، توحید از نگاه امام خمینی (ره)، (چ اول)، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عده الابرار، تحقیق علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ری‌شهر، محمد (بی‌تا)، فلسفه وحی و نبوت، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض تنزیل، ج سوم، دارالكتاب العربی، بیروت.*
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میر جلال الدین ارموی، دفتر نشر داد تهران.*
- صدر المتاهلین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، *تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم.*
- صفوی، کورش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معناشناسی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.*
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.*
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین، ج سوم، کتاب فروشی مرتضوی، تهران.*
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج دوم، انتشارات اسلام تهران.*
- فارسی، جلال الدین (۱۳۷۰)، *نظام هستی، امیرکبیر، تهران.*
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.*
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر خطیب (۱۳۹۶)، *اسماء الله الحسنی، مکتبه الکلیات الازهریه، بی جا.*
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *العین، ج دوم، انتشارات هجرت، قم.*
- فیض کاشانی، ملاحسن (۱۴۱۵)، *تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران.*
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بی تا)، *لطائف الاشارات، تحقیق ابراهیم بسیونی، الهیئه المصریه العامه للکتب، مصر.*
- قیصری، داوود ابن محمد (۱۳۸۲)، *شرح قیصری بر فصوص الحکم بین عربی، خواجهی محمد، ج اول، انتشارات مولی، تهران.*
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸)، *بیان السعاده فی مقامات العباده، ج دوم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.*
- محمد العواء، سلوی (۱۳۸۱)، *بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن، مترجم سید حسین سیدی، آستان قدس رضوی، مشهد.*
- مختار عمر، احمد (۱۳۸۵)، *معناشناسی، مترجم سید حسین سیدی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.*
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۲)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.*

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱)، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، چ اول، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم.
- نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد (۱۳۶۷)، *تفسیر نسفی*، تحقیق دکتر عزیزالله جوینی، انتشارات سروش، تهران.

RICEST